

موضوع: بررسی اثرات نهضت حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران در نظام های بین المللی و منطقه ای و تاثیر آن در ایجاد وحدت بین ملت های جهان .

گرد آورنده: علی حیدر جوینده، کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی
دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات (تهران)

خلاصه کلام گرد آورنده:

همانطوریکه می دانیم حضرت امام خمینی (ره) دارای یک شخصیتی فراگیر و همه جانبه است که مباحث و اندیشه های مطرح شده از سوی ایشان به زمان، مکان و افراد معینی محدود نیست. کلمات و بیانات و تفکرات حضرت امام خمینی (ره)، کلمات، الفاظ و نوعی از تفکری است که نورانیت خاصی دارد. در این تفکرات کلان نگرانه ی وی که بر آمده از قرآن و ریشه در روایات اسلامی و الهی دارد، بایستی که بیشتر تدبر گردد و بیش از پیش، پژوهش و بررسی شود. چرا که آنچه از وی صادر شده است عقل ها و فهم های شرق و غرب و چرخانندگان مجامع بین المللی جهان و صاحبان محافل تحلیل های سیاسی شرق و غرب را متحیر و شگفت زده ساخته است. به همین خاطر، ما بایستی امروز اذعان کنیم که تا به این لحظه، جامعه ی ما و اندیشمندان عصر حاضر، قدر این گوهر گرانبها و یار سفر کرده را خوب نشناخته اند.

در این مقاله (به اختصار) که با تاکید بر مفاهیم اصولی، ارزشی، فرهنگی و سیاسی دیدگاه و حرکت انقلابی حضرت امام (ره) از کتب مختلف گردآوری شده است، ضمن طرح مباحثی در باب راهبرد و استراتژی انقلاب اسلامی ایران که برخاسته از تفکر حضرت امام در ایران در بستر زمانی خاص بوده است، مورد توجه قرار گرفته، و همچنین رابطه ی آن با سایر حوزه ها نیز بررسی شده است.

علاوه بر آن سعی شده است تا با بهره گیری و عبرت آموزی تاریخی برگرفته از دوران حیات پر برکت حضرت امام (ره) و انقلاب ایران اسلامی - که نمی شود با هیچ انقلابی آن

را مقایسه کرد - به مبانی فرهنگی و اجتماعی تاثیر پذیر از **عناصر گوناگون** پرداخته و سعی نموده تا تجلی مبانی راهبرد و تحرک پویا و ماندگار آن ارباب امانت را در مولفه های مختلف به نظر رساند.

در پایان مقاله نیز اشاره نموده و نتیجه گرفتیم که امروزه و در عصر حاضر جامعه نوین عصر هزاره ی سوم بایستی به مکتب معنوی و الهیاتی خود که همانا برگرفته از قرآن کریم و استراتژی رسول اکرم (ص) وائمه معصومین (ع) است ، بازگردند. چرا که تنها راه درمان و تنها طرح و نقشه ی فردای بهتر جهان و ایران و... قرآن کریم و مکتب نورانی رسول اکرم (ص) و رمز و راز آن وحدت و انسجام اسلامی است .

به هر ترتیب ، مقاله حاضر که بی تردید عاری از کاستی و نارسایی نیست با امید به پویایی سیر تکامل ، پیشاپیش و امدار رهنمودهای ارباب نظری است که کاستی را بر نمی تابند و نارسایی را به خود وا نمی گذارند. انشاء... تعالی .

واژگان کلیدی : وحدت - انسجام اسلامی - راهبرد - بحران رهبری - هویت اسلامی - سیادت و کرامت اسلامی - مکتب الهیاتی - چرخندگان مجامع بین امللی .

مقدمه :

میشل فوکو :

((شخصیت آیت ا... خمینی ، پهلوی به افسانه می زند زیرا هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی حتی با حمایت تمام رسانه های دنیا ، نمی تواند ادعا کند که با مردمش چنین پیوند عاطفی عمیقی دارد.))

*** مختصری از نظریه ی میشل فوکو در مورد انقلاب اسلامی ایران و شخصیت والای امام خمینی (ره)**

میشل فوکو از نظریه پردازان پست مدرنیسم بود که در بحبوحه ی انقلاب اسلامی به ایران سفر کرد و انقلاب را از نزدیک دید. وی برخلاف نظریه پردازان مارکسیست عقیده داشت جز باورهای دینی و مذهبی و وجود شخصیتی همانند امام خمینی (ره) هیچ عاملی دیگری قدرت انسجام و بسیج این چنین توده ها و مردم را ندارد بلکه این مهم ، فقط و فقط مذهب تشیع و وجود یک رهبری کاریزما است که با تکیه بر موضع انتقادی خود توانسته این چنین بسیج سیاسی به راه اندازد و انقلاب ایران را شگفتی آفرین نماید. وی در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن در آینده بر روی سایر ملل به نقش بی بدیل و محوری حضرت امام اشاره اتی نموده است که نمونه ای را از دقت نظر تان گذرانیدیم .

به نظر ایشان روح انقلاب اسلامی ایران در این حقیقت یافت می شود که ایرانی ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند . میشل فوکو قلب و محور تحلیل خویش را از انقلاب ایران در معنویت گرائی سیاسی و شخصیت والای رهبری آن بیان می کند. او از امام خمینی (ره) با تعبیر **قدیس پیری که در پاریس است یاد می کند** وی معتقد است امام خمینی ، به منزله ی رهبری کاریزما با مردم ارتباط شخصی و عاطفی دارد و می گوید: که شخصیت امام پهلوی به افسانه می زند .

میشل فوکو دلیل همراهی و همگامی مردم ایران با امام را در سه چیز خلاصه می کند :

- 1- خمینی اینجا نیست ، پانزده سال است که او در تبعید است .
 - 2- خمینی آدم سیاسی نیست ، ، حزبی به نام خمینی ودولتی به نام خمینی وجود نخواهد داشت .
 - 3- خمینی چیزی نمی گوید چیزی جز نه - نه به شاه ، به رژیم ، به وابستگی .
- دین ، مکتب ، مذهب و معنویت یکی از عناصر تشکیل دهنده ی فرهنگ ، به زعم فوکو نقش اساسی را در آگاهی ملی ایرانیان ایفا می کند .
- فوکو به درستی اشاره می کند که هویت ایرانی آمیخته با دین ومذهب است ، ولی دین را کد ، بی تفاوت و خشک و بی روح و غیر پویا ، توان انقلابی شدن و به عبارتی گریزگاه شدن مردم را ندارد . همانگونه که می دانیم **قدرت** رابطه ای است که به صورت رشته ها و تارهایی در هم پیچیده در اجتماع و جامعه پراکنده است و در انحصار یک گروه خاص وطبقه ویژه ای نیست . فوکو با این بینش معتقد است که اسلام شیعی نیز در ذات خود ، این قدرت و نیرو را دارد و در زمان مقتضی با رهبری الهی و معنوی می تواند قدرت اجتماعی را جمع آوری نموده و علیه حکومتی یا رژیمی به کار گرفته شود . این قدرت در انقلاب اسلامی ایران با رهبری حضرت امام خمینی (ره) به زبان بسیار ساده وعاطفی و برگرفته از مکتب قرآن و عترت نبوی با نگاهی سرخ و سبز و مبارزه آگاهانه سیاسی لایه های مختلف مردمی را بسیج کرد و از یک جامعه ای که دارای هزاران ناخرسندی ، نفرت ، بی نوائی ، سرخوردگی ، عصیان و وابستگی رژیم شاهنشاهی وطاغوتی 2500 ساله بود یک نیروی وانرژی نو با قالب ومحتوای جدید با نگرش به آینده و پایدار پدید می آورد .
- این همان تفکری بود که بعدها از طریق خود امام خمینی (ره) برای صدور وتزریق این تفکر انقلابی به بدنه و رگ اصلی افکار ملت های مستضعف جهان بر ضد نظام های جهانی ، مجدانه پیگیری شد .
- شاید این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظام های غاصب جهانی باشد یا به تعبیری دیگر، مدرن ترین و دیوانه وارترین صورت شورش .

انقلاب ایران از حلقوم امام خمینی (ره) مفاهیمی بنیادین و جهانی را مطرح می کند و تفکرات آن حضرت یک تنه ، نظم جهانی مستقر را به چالش می کشاند و پیام خود را با زبانی ساده ولی بسیار رسا ، اعلام می دارد .

یکی از ویژگی های امام خمینی (ره) بعنوان رهبر انقلاب اسلامی ، این بود که او در چارچوب هیچ یک از مفاهیم سیاسی و بین الملل متداول امروزی کار نمی کرد . الگوها ، مفاهیم و اصول اسلامی تدوین شده از سوی ایشان ، بر سایر الگوهای سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و فرهنگی کاملاً اولویت داشت و به همین خاطر ، ابتکار عمل ، فقط در دست او بود و نه در دست دیگران . اصالت فکری ، صرفاً از او بود و تقلید از سوی دیگران . الگوی کودتا و نوگرایی رضاخان ، الگوی مصطفی آتاتورک از ترکیه بود و هر دوی اینها می خواستند از اروپا تقلید کنند و جنبش های جماعات اسلامی در پاکستان ، اخوان المسلمین در مصر و وهابیت در عربستان به پیروزی نرسیدند ، زیرا که آنها گرایش قومی و اصالت خود را از دست داده بودند .

برای درک ابعاد مقدس این مبحث و الگوی وحدت گرای انقلاب و حضرت امام خمینی (ره) کافی است که به اندیشه ها و کارکرد های رهبر آن بنگریم . برای مثال امام خمینی (ره) در سراسر مبارزات خود و در موقع انقلاب ، عوامل الهی و انسانی را در چارچوب دکترین ، احساس مسئولیت و تکلیف با یکدیگر تلفیق کرد . این مسئولیت و تکلیف از نگاه فقه و اصول اسلامی ، یک منشور با اصالت و اسلامی بود . ایشان به هنگام خروج از عراق هم فرمودند :

((برای من مکان معینی مطرح نیست . آنچه برای من مطرح است تکلیف الهی است . اگر نگذارند ، فرودگاه به فرودگاه به تکلیف الهی خود عمل خواهم کرد)) .

حضرت امام با این دیدگاه و با این بنیاد فکری ، ولایتی را آورد که در آن فقاقت و تصمیم گیری با حکمت و خرد گرایی حکیمانه با عرفان و رایحه ی خوش وحدت عجین شده بود .

با مطالعه ی اندیشه های حضرت امام به روشنی آشکار می شود که او خواستار یک نظام و حکومت مبنی بر وحدت امت اسلامی و فراتر از دایره ی دولت های ملی امروزی که بر پایه ی الگوی ملت دولت بنا شده اند ، است . بنابراین ، انقلاب اسلامی ایران و امام نه تنها علیه یک نظام سلطنتی طاغوتی قیام کردند بلکه علیه هرگونه نظامی در بیرون از محور ملت دولت هم شوریدند . از دیدگاه امام ، انقلاب اسلامی باید فراسوی الگوی ملت دولت حرکت نماید . و میهن اسلامی ایران بایستی **بت شکن این سیستم کنونی جهانی** باشد و جوامع بشری نیز بایستی که از تمایلات ملی گرایی که کشورها را از جهان شمولی امتی و اسلامی دور نگاه می دارد و حس تفرقه و چند دستگی را تقویت می نماید ، پرهیزد .

* **بستر های سیاسی و اقتصادی عصر حاضر در روابط بین الملل :**

همانگونه که می دانیم بستر سیاسی و اقتصادی جهان در قرن بیستم و روابط بین الملل در یکصد سال اخیر با دو پدیده اصلی ، روبرو بوده است :

اول ، پدیده ی واحدهایی به نام دولت های ملی ، یا نظام معروف به ملت دولت است که بر اساس حاکمیت ملی و حقوق بین المللی غرب ، با مرزهای ویژه سیاسی بنا شده است و **دومی** ، پدیده مدرنیته یا نوگرایی غربی است که ساختارهای سیاسی و اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جوامع را به سوی یک تمدن صنعتی و فرا صنعتی سکولار (جدا از دین و معنویت) هدایت کرده است . این دو پدیده اساسی ترین عوامل تغییر در سطح جهانی در قرن بیستم و بدون تردید ، زیر ساخت های نظام یا نظام های حاکم بر دنیای امروز هستند .

انقلاب اسلامی ایران علیه این دو پدیده ، امام و اندیشه های سیاسی او ، این دو اصل حاکم بر قرن بیستم را به کلی رد کرد و اهداف امام و انقلاب آن طور که امام تبیین کرد ، فراتر از این دو پدیده بود .

سخنرانی ها و نوشته های امام در طول دهه های گذشت هدر این میان دو موضوع عمده را به روشنی و وضوح نشان می دهد :

1- جست و جو برای یافتن هویت اسلامی و رشد و نمو جامعه بر پایه این هویت .

2- تلاش برای فرمول بندی و مشخص کردن نظام اسلامی ، فراتر از نظام های دولت های ملی .

وحدت و هویت اسلامی ، موضوعاتی هستند که به طور مکرر درز بیانات امام (ره) وجود دارند او تاکید کرد که ایده آل دینی السام ، این است که اعتقاد به خدای یگانه (توحید) را در سراسر جهان مستقر سازد . او تاکید نمود که اسلام دینی با معیارهای غربی نیست ولی دینی است که نسبت به تمامی ابعاد زندگی بشری اشراف دارد . امام خمینی (ره) می فرمود، که هیچ وقت بین معنویت و دنیاگرایی جدائی وجود ندارد او ایفاد نمود که بسیاری از مقررات اسلام که راجع به عبادت و پرستش هستند به وظایف اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی نیز مربوط می شوند . با کمی دقت می توان درک کرد که اشکال پرستش به کار گرفته در اسلام ، معمولاً به سیاست و توسعه ی جامعه انسانی مربوط هستند . که اصل و ریشه این خاستگاه ، **وحدت امت اسلامی** است .

ایشان غیر از اسلامیت ، بهترین مدنیت (و نه جهالت) را در درون جامعه اسلامی نهفته دانست و فرمود: که جامعه اسلامی حتی حقوق مدنی همه افراد را رعایت می کند و آنها را به رسمیت می شناسد .

امام خمینی (ره) نوعی از حکومت دینی را پایه ریزی نمود که به نحوی از زندگی و حکومت را توصیه می نمود که **بسیار شبیه به دوران اوایل اسلام** بود . او اولین فردی خواهد بود که به روشنی ، اساس درک ساختاری از حکومت اسلامی را بنیان نهاد . ایشان حتی در تاریخ معاصر، **بحران رهبری** را که یکی از بحران های بزرگ عصر ما شده است را توانست با ابتکار و اصالت فکری و عملی و همچنین با پشتوانه ی عظیم اندیشه ی سیاسی ، برای اولین بار به جهانیان ارائه نماید . این عمل حضرت امام (ره) بزرگترین اختراع ، اکتشاف و ابتکار رهبری در رشته ی اندیشه سیاسی و حکومت و نظام اجتماعی در قرن حاضر به همراه **فریاد وحدت** و یکپارچگی بود که در ایران اسلامی اتفاق افتاد و این است حاصل انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) ...

- اولین بار حضرت امام و انقلاب اسلامی بود که برای نخستین بار گفتمان و وحدت تمدن ها را آغاز نمود .
- اولین بار حضرت امام و انقلاب اسلامی بود که برای نخستین بار ضرورت ایجاد نظام جدید جهانی فرهنگ را پیش کشید .
- اولین بار حضرت امام و انقلاب اسلامی ایران بود که برای اولین بار مفهوم جهان شمولی و ابعاد اسلامی و امتی آن را بیان کرد .
- اولین بار حضرت امام و انقلاب اسلامی ایران بود که فکر توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و بیش از همه اصول دین مبین اسلام بعنوان یک جهان بینی سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و نظامی می تواند پایه های یک تشکل منطقه ای در قفقاز و آسیای مرکزی باشد . چنین اتحادیه ای یک محور اصلی در جهانی سازی اسلامی می تواند به شمار آید که آغاز گر آن امام راحل و انقلاب اسلامی است .
- اولین بار حضرت امام و انقلاب اسلامی بود که موضوع اخلاق را در گفتمان اوامر بین المللی و جهانی و حکومتی ترویج ، تزریق و اشاعه کرد .
- اولین بار حضرت امام و انقلاب اسلامی بود که درباره ی هویت اسلامی و جنبش اسلامی سخن به میان آورد ، **هویت اسلامی** که از نظر برخی نویسندگان منجمله **پروفسور ادوارد سعید** استاد فلسطینی رشته ادبیات دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک و برخی از روشنفکران دنیای عرب یک نیروی مقاومت است نه یک نیروی سازندگی . و این تفکر امکان تشکیل یک حکومت اسلامی ر در دنیای عرب در آینده بعید و غیرواقعی به نظر می رساند . در حالی که امام اینگونه نگاه نمی فرمودند . ایشان هویت اسلامی را یک جریان روبه رشد و سازنده و توسعه گرایانه تعریف نمودند . و بسیج ملی را در خدمت سازندگی اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و ... می دانستند . به همین دلیل افرادی مانند **ادوارد سعید** یا **روشنفکران جهان عرب**، جواب ، طرح و الگوی مناسبی برای آینده ی مرزهای جغرافیای عرب برای هدایت کشورهای خود ندارند . چه برسد برای سایر ملت ها و ...

* سیادت و کرامت امت اسلامی در سایه ی وحدت

بیست و هفت سال پس از انقلاب در ایران ، نهضت اسلامی یک پدیده ی جهانی شده است این خیزش تاریخی در شرایطی وسعت می گیرد که اندیشه های سیاسی و ایدئولوژی های حاکم دنیا سقوط کرده و یا با تزلزل و بحران مشروعیت روبه رو هستند در حالی که قومیت های سیاسی و ملی گرایی در غرب شدت خاصی یافته در سرزمین های اسلامی نیز مسلمانان خواستار استقلال و رسیدن به هویت سیاسی و جهانی اسلامی هستند .

ماهم در میان در آستانه یک فرصت نادر تاریخی هستیم که اگر اهمیت و جوانیب آن را تشخیص نداده و درک نکنیم ، مرعوب دگرگونی های بین المللی شده و از کسب قدرت سیاسی و اقتصادی برای سیادت و کرامت و وحدت عامه ی امت اسلامی دور خواهیم افتاد . و به همین خاطر بایستی شکاف ها و فاصله های موجود بین ملت ها را کاهش دهیم و در مرحله ی نخست در جریان بازاریابی و کشف هویت فرهنگی اسلامی بسیار با برنامه و استراتژی و مهندسی فرهنگی وارد کار و زار بین المللی شویم و در مرحله دوم در ممالک اسلامی و حتی بین ممالک اسلامی ، پیوندی فشرده تر از وحدت ملی ، که بنیاد تاسیس یک نظام سیاسی امت اسلامی ، و یک اتحادیه ی قوی از ملل مسلمان باشد را در کوتاه مدت و بلند مدت به وجود آوریم . بعنوان مثال در مفهوم سیاست خارجی تجدید نظری داشته باشیم و به جای سیاست خارجی بیائیم سیاست جهانی داشته باشیم نه فقط و فقط سیاست خارجی !

در طیفی دیگر از اصول وحدت گرائی امت های اسلامی توجه بیشتر به سازمان کنفرانس اسلامی است باید توجه بیشتری به این کانون داده شود تا این کانون و کنفرانس اسلامی همانند و در مقابل سازمانهای بین المللی دیگر مثل سازمان ملل متحد ، بتواند کانون موفق ، مهم و موثری در اتحاد کشورهای اسلامی و هسته ی جدیدی در نواقصدار مسلمانان دنیا باشد . ولی تابه حال این سازمان نتوانسته است در تامین خواسته های امت اسلامی موفق باشد و توانایی موجودیت یک قدرت سیاسی را در

صحنه ی جهانی را نداشته است مخصوصا در سالهای اخیر در جلوگیری از تجاوز به سرزمین های اسلامی موثر عمل نکرده است و این قضیه بایستی تقویت گردد . همچنین دول اسلامی بایستی برای تشکیل این امت واحده و تقویت وحدت ، فرصت های از دست رفته را جبران نمایند و برای همیشه با الگوهای طاغوتی خداحافظی نمایند . و بینش ، نفوذ و دیدگاه جهانی داشته باشند و در تصمیمات و آمال خود قاطع باشند و هیچ موقع عقب نشینی نکنند .

* اهداف و اثرات نهضت امام (ره) و انقلاب اسلامی در ایجاد وحدت رویه سیاسی و فرهنگی در بین جوامع اسلامی و بین المللی

تاریخ یکصد ساله اخیر ممالک اسلامی ، به طور عمومی و کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران به طور ویژه همیشه از سوی نویسندگان و تحلیلگران با یک دیدگاه یکطرفه بررسی و نوشته و تحلیل شده است. برخورد غرب با دنیای اسلامی و انقلاب ایران ، و اثرات تحول و دگرگونی های اروپا و بعد آمریکا ، در پیشرفت و توسعه سیاسی و اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی دنیای شرق .

برای مثال از زمان انقلاب فرانسه و ازدیاد و توسعه ی تمدن صنعتی و طلوع ناسیونالیسم (یا ملی گرایی) و لیبرالیسم (یا تجدد و نوگرایی) اغلب تصمیم گرائی و تصمیم گیری و اصلاحات و نوسازی و بازسازی در شرق از زاویه ی تاثیر تمدن غرب بر تمدن شرق مورد مطالعه و بحث قرار گرفته است .انقلاب مشروطه و نتایج حاصله از آن برنامه ی نوگرایی رضاخان پهلوی وپسرش محمد رضا پهلوی ، طلوع دوره ی پارلمانی و احزاب گری کوتاه سالهای بعد از جنگ دوم بین المللی و حتی فلسفه ی آزادی عقاید و مطبوعات همه و همه از جنبه ی تاثیرات تمدن غرب بر تمدن شرق یا اسلامی مورد گفتگو قرار گرفته است . بطور خلاصه، دستور صحبت در ایران تا آغاز انقلاب اسلامی همیشه و فقط روی برخورد و نفوذ و تاثیر غرب بر شرق ، دور زده بود .

انقلاب اسلامی ایران و تفکر جهانی حضرت امام خمینی (ره) این سیر یک طرفه را عوض کرده و برای اولین بار در یک صد سال اخیر صحبت جهانیان و ناظرین و رسانه های جمعی این نبوده که تاثیر انقلاب فرانسه لیبرالیسم ، کمونیسم ، آنارشیسم ، سوسیالیسم و غیره در ممالک اسلامی و دنیای سوم چیست ؟ بلکه سوال اصلی بیست و هفت سال گذشته این بوده که اثر انقلاب اسلامی و فکر آیت ا... خمینی بر روی نظام های جهانی، منطقه ای و ملی و همچنین ایجاد وحدت رویه سیاسی و فرهنگی در بین این ملت ها چه بوده و چه خواهد بود ؟

چنین تغییر و تعویض در فکر و دستور جهانی کمتر در تاریخ اتفاق می افتد به عقیده ی ما ، این بزرگترین اثر انقلاب اسلامی ایران و حرکت امام خمینی در دنیا بوده و اثرات دیگری را که به صورت یک گروه دهگانه در این جا بنده به صورت خلاصه وار عنوان می کنم که همه کم و بیش حاصل این پدیده ی انقلابی و تفکر ناب امام راحل (قدس سره) می باشد :

اول اینکه انقلاب اسلامی ایران و پیام امام در جهان ، محرک اصلی نهضت های اسلامی کنونی سراسر جهان بوده و جنبش اسلام گرائی را از اندونزی گرفته تا بوسنی - هرزگوین از آسیای میانه تا آفریقا ، آبیاری کرده و گرایش به سوی نظام اسلامی ، تلاش برای تاسیس دول اسلامی ، ستیزه و مبارزه علیه سیستم های ملی و منطقه ای و جهانی سلطه گرائی که از دو قطب سرمایه داری و کمونیسم الهام می گرفتند و می گیرند ، یکی از اثرات بارز این انقلاب بوده است . اسلام گرائی یک پایگاه قدرت و یک نهاد اصیل مکتبی در سیستم بین المللی امروز به شمار می رود . اسلام گرائی سبب کاهش مشروعیت نظام های غیر اسلامی از جمله رژیم های پادشاهی مطلق ، رژیم های طایفه ای و قبلیه ای در سرزمین های اسلامی و شده است .

دومین اثر انقلاب اسلامی و پیام حضرت امام خمینی (ره) این بوده است که اسلام گرائی از جنبش های اسلامی در دستور صحبت و گفتگو و بحث روز مجامع و کنفرانس های بین المللی قرار گرفته است . تعیین دستور روز، در روابط بین المللی یکی از ارکان قدرت سیاسی به شمار می رود . به مدت طولانی ، یعنی از

خاتمه ی جنگ دوم بین المللی تا پیروزی انقلاب اسلامی دستور روز جهانی یعنی موضوع صحبت و توجه و بحث روز ، کم و بیش توسط دو ابرقدرت جهانی یعنی آمریکا و شوروی سابق تعیین می شد . رسانه های جهانی مسائلی چون مسابقه و تسلیحات اتمی ، همچشمی و رقابت مکتبهای کاپیتالیزم و سوسیالیزم و کمونیسم و عناوین دیگر مورد علاقه دو بلوک را ، در راس موضوعات بزرگ روز در معرض افکار عمومی قرار می دادند .

این انحصار گری و دستور بازی فقط مخصوص رشته ی دیپلماسی و بین المللی نبود در مسائل فرهنگی واجتماعی ، در کنفرانس های دانشگاهی و جهانی (به جز کنفرانس به اصطلاح شرق شناسان) کسی جرات مطرح کردن اسلام را به صورت یک مکتب و دیدگاه نداشت . ولی امام با رهبری و شخصیت والای والهی خویش و حرکت متحول گرایانه انقلاب اسلامی حداقل برای اولین بار در تاریخ معاصر دستور بین المللی را تغییر نسبی داد و آنرا متنوع کرد .

بعد از این حرکت ، اسلام و مسلمانان و اسلام گرائی مورد توجه عام و خاص قرار گرفت و انقلاب اسلامی عمق و بُعدی **جدید و تازه به دانستنی ها ، اخبار و تفسیر روز** داد . گرچه این خود باعث شد که تبلیغات ضد اسلامی شدت یابد ولی موفقیت و اثر اصلی ، عطف نظر جهانیان به اسلام بود .

سومین تاثیر حرکت امام خمینی و انقلاب اسلامی ، بسیج مسلمانان در سطوح ملی و منطقه ای و حتی جنبش جهانی بود . انقلاب اسلامی و جنبش های آبیاری شده از آن ابزار و وسیله هائی بودند که بسیج مسلمانان را به صورت گروه ها تشکیلات و امت اسلامی به مرحله ی عمل نزدیک کردند . این بسیج نه تنها سیاسی بلکه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بوده در نقاط مختلف اسلامی بصورت موسسات مالی و اقتصادی و بانکی ، بنیادهای صدقه واحسان و کنفرانس های حرفه ای ، تخصصی ، علمی و هنری بروز و توسعه پیدا کرده است . حجم کتب و جزوات و نشریات مربوط به اسلام و اسلام شناسی و ممالک و امت اسلامی چه در کتابخانه ها و چه در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی ، هزاران بار افزایش پیدا کرده به طور خلاصه این بسیج سیاسی اقتصادی ، علمی ، هنری و فکری آغاز یک دوره ی جدید در تحولات و بسیج اندیشه ای است ، که پژوهش و تحقیق برای درک آن هنوز که هنوز است آغاز نشده است .

بوجود آمدن **نسل جدید جوان و اسلامی** در بیست و هفت سال گذشته در ایران و بسیاری از ممالک اسلامی **چهارمین اثر بزرگ انقلاب اسلامی** بوده است. نسل جوان و جدید اسلامی با توجه به مشکلاتی که در پیش داشته از جنگ و مبارزه گرفته تا مسائل ملی و بین المللی در حقیقت یک نسل با تجربه تر و با هویت تر و مستقل تر و متفکرتر از گذشته می باشد. این نسل نوجوان و دیدگاه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی آن است که رهبری بسیاری از ممالک اسلامی را در دو دهه ی آینده به دست خواهد گرفت. این نسل جوان برای اولین بار در یکصد سال اخیر این فرصت را دارد و خواهد داشت که بر عکس گذشته در نسل های غرب زده و در مقابل تکنوکرات ماورای صنعتی دنیای غرب تحلیل نروند، ادغام نشوند و سازشهای گذشته را تکرار نکنند. به طور خلاصه نسل جوان این فرصت را دارد که به جای عصری کردن اسلام از طریق مبادی پوزیبویستی و به اصطلاح نوگرایی علمی مثل گذشته مقلد بدون چون و چرای چند متفکر و معلم اروپائی و آمریکائی نشده و یا فریفته گری و شیفتگی به افکار و عقایدی را که حتی در خود غرب قابل تامل شناخته نشده و خریدار زیادی هم ندارد با روش مستقل و انتقادی شناخت جامعه تعویض کنند. این تلاش و کوشش برای یک استقلال فکری اثر انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی را به میان می آورد قبل از انقلاب اسلامی آوای پایان ایدئولوژی و خاتمه ی تاریخ از طرف بسیاری از جامعه شناسان و ناظرین غرب عنوان شده است تا نشان داده شود که تمایل غرب به مرحله ی ماورای صنعتی و پیروزی سیستم سرمایه داری بر سیستم کمونیسم فاتحه ی مکاتب و ایدئولوژی های دیگر دنیا ست و آنچه ماندنی است لیبرالیسم است و این در حقیقت فصل آخر تاریخ است ولی حضرت امام خمینی (ره) با انقلاب اسلامی این توطئه ها را برملا کرد و نشان داد که عصر ما در حقیقت وارد مرحله ی جدیدی از تاریخ شده و رقابت مکتب ها به حقیقت عمیق تر و پر شکاف تر هم شده و خواهد شد.

دنیا به دو قطب **سکولاریستی و مذهبی** تقسیم نمی شود. سیاست و ارزش های انسانی را نمی شود مجزا کرد. امام خمینی با انقلاب اسلامی دوباره یک ایدئولوژی سیاسی -

مذهبی را مطرح کرد و نشان داد که این جهان بینی ایدئولوژی سیاسی - مذهبی با سیستم سیاسی مسیحیت قرون وسطی و سنوات بعد تفاوت اساسی و وجوه افتراق بسیاری دارد.

اثر نهم انقلاب اسلامی این بود که تمایل ناسیونالیستی و ملی گرایی را در بین مردم عادی و ممالک اسلامی کاهش داد و از این جهت سیستم سیاسی ملی، دولت بسیاری از این کشورها را که به طایفه و نژاد گرایی و جغرافیای گرایی تکیه می کردند تزلزل کرد. جالب اینجاست که در چند سال اخیر حس ملی گرایی در بین نفوس ممالک اسلامی کاهش یافته در حالی بر اثر سقوط رژیم کمونیستی، ملی گرایی در اروپا و روسیه و دنیای مسیحیت رو به تشدید گذاشته است. کاهش ملی گرایی بین جمعیت مسلمانان و گرایش به سوی یک جامعه ی ایده آل اُمتی، خود می تواند یک نیروی مثبتی باشد برای برقراری حکومت های مردمی و پشتیبانی از هم کاری ها و اتحادیه های منطقه ای و اسلامی در آینده.

هفتمین اثر انقلاب اسلامی در تغییر بین المللی در بیست و هفت سال گذشته، این بوده است که مساله نظام فرهنگی جهان و نظام های سیاسی و اقتصادی و اطلاعاتی، مورد بحث مردم و گروه ها و افراد مختلف قرار گرفته است. درحقیقت می توان گفت که انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی بود و بسیاری از مباحث و اختلافات بین دنیای اسلام و دنیای غیر اسلام مسائل فرهنگی بوده اند. امروز بیش از هر موقع دیگر مسلمانان دنیا به مسائل فرهنگی و محیط فرهنگی خود و جهان، حساسیت بسیار زیادی نشان می دهند. انقلاب اسلامی بیش از هر پدیده دیگر بین المللی، مساله بررسی و تجدید در نظام فرهنگی دنیا را مطرح کرده است.

هشتمین و یکی از مهم ترین اثرات انقلاب اسلامی به عقیده من، تاثیر آن در تحولات سیاسی ممالک غیر اسلامی، مخصوصا اروپای شرق و شوروی سابق بوده است. مطالعه و تحقیق در این مورد کم انجام شده ولی از زمانی که انقلاب اسلامی به صورت تنازع بین ظالم و مظلوم در ایران به جهانیان نشان داده شد، و پیروزی آن مسلم گردید این پدیده، مشوق بزرگی برای مبارزین اروپای شرقی و شوروی علیه حکومت های دیکتاتوری شد. مبارزه لهستانی ها، چک و اسلواکی ها، آلمان شرقی ها، روس های بسیاری از مسلمانان آسیای میانه، درست پس از پیروزی انقلاب اسلامی شدت می یابند:

((اگر ایران بتواند حکومت دو هزار ساله ی مطلق پادشاهی را در اواخر قرن بیستم واژگون کند، چرا ما اروپای شرقی و روس ها نتوانیم حکومت چهل تا هفتاد ساله ی کمونیستی را بر هم زنیم؟!))

این سوالی بود که بسیاری از روشنفکران، کارگران و رهبران گروه های مختلف، و حتی دولتمردان این مناطق، موقع بازدید از این کشورها، از من می کردند! انقلاب اسلامی ایران با بسیج صلح جویانه مردم در روزهای انقلاب، رهبری انقلاب و فعالیت های سنتی، اروپای شرقی و روس ها را به حیرت انداخته بود. این هاست که اثر نهم انقلاب اسلامی ایران در صحنه ی بین المللی بروز می کند یعنی: **توانائی بت شکنی در سیستم بین المللی.**

سیستمی که به مدت طولانی کم و بیش ثبات خود را حفظ کرده و بسیاری فکر می کردند که دنیا حداقل برای قرن ها، با سیستم دو قطبی به وضع معمولی خود ادامه خواهد داد. انقلاب اسلامی با پیروزی خود، در دیوارهای سیستم های سیاسی بین المللی، ترک ایجاد کرد. از آن روز به بعد، همه حوادث و اتفاقات، غیر مترقبه شد. برای اولین بار در تاریخ معاصر، یک نهضت اسلامی و شرقی، برخورد و تاثیر قابل توجهی در تحولات غرب داشت. به خاطر داشته باشیم که مسافرت پاپ مسیحیت در واتیکان به دور دنیا، درست از موقع پیروزی انقلاب اسلامی و صحبت های حضرت امام در جماران شروع شد.

اثر دهم انقلاب اسلامی، اثر تصویری و ذهنی در مسلمانان برای آینده بود. انقلاب اسلامی نه تنها تصویر گذشته و حال را برای مسلمانان ترسیم کرد، بلکه بر آن ها نگاره و تصویر و امید آینده را داد، بحران غرب، و در حقیقت بحران مسلمانانی که به غرب و ایدئولوژی آن روی آورده بودند، این بود که در سال های آخر قرن بیستم، به علت شکست های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در غرب، آن تصویر خوشی را که انتظار داشتند، نمی توانستند در آینده ی خود ترسیم کنند انقلاب اسلامی این خلاء را پر کرد.

تصویر روشن و خوش آمد و پر معنا از آینده ، چیزی است که به زندگی کنونی اعتبار می دهد. این اثرات دهگانه انقلاب اسلامی که به طور خلاصه بررسی شدند ، البته همه این موارد به صورت نسبی بوده و مطلق و همیشگی نیستند . ولی شناخت صحیح این عوامل و مولفه ها ، تاثیرات و ابعاد لازمه قدرت سیاسی و اجتماعی امت اسلامی بوده ، و برداشت اصیل و هوشمندانه از آن ها معیاری است از کارنامه آینده انقلاب اسلامی ایران سربلند .

* اندیشمندان و صاحب نظران این عرصه، راهکارها و استراتژی های علمی - فرهنگی و سیاسی در عرصه جهانی برای ایجاد وحدت و الفت امت اسلامی را این چنین بر می شمردند.

برای خیزش به سوی وحدت اسلامی ، اندیشمندان و صاحب نظران عصر حاضر از جمله پروفیسور حمید مولانا چند مورد را پیشنهاد کرده اند :

- اول اینکه دنیای اسلام و امت اسلامی باید از حالت انفعال به حالت ابتکار بیفتد .
 - دوم اینکه دنیای اسلام برای توسعه ی اسلامی و تولید وحدت در بین ملل و دول اسلامی ، باید در فکر تاسیس یک دانشگاه جهانی اسلامی یا دارالعلوم اسلامی باشد . این حرکت باعث آغاز یک خیزش فرهنگی و وحدت گرا برای امت بزرگ اسلامی در سراسر جهان هم ایفای نقش کند . همچنانکه طی قرون وسطی جامعه و تمدن اسلامی و دانشگاهها و مدارس اسلامی در ایران ، عراق ، مصر ، سوریه ، اسپانیا و ... کانون های جهانی برای رشد اطلاعات و علوم مختلفه ی اسلامی بودند . که در این زمان اروپا ، دوران جهل و تاریکی تاریخ خود را سپری می نمود . پس می توان دوباره به این امر بازگشت و آن حرکت را زنده و احیاء کرد .

- سوم اینکه صاحب نظران عرصه سیاسی ، علمی و فرهنگی معتقدند فقط در سایه ی چنین موسسه ای جهانی و فرهنگی و اتکا به منابع وسیع و علمی چنین دانشگاه جهانی و فرامرزی است که مسلمین می توانند مستقلاً نیروی های انسانی ، علمی و فنی خود را بسیج نمایند و با ابتکارات حکیمانه ، سدهای موجود را که سبب

- ضعف ، تفرقه ، انشعاب و تجزیه ی علمی و پژوهشی در دنیای اسلام شده ، برطرف کنند و بنیاد یک رنسانس علمی و فرهنگی اسلامی را پایه ریزی کنند.
- دلیل و مبحث بعدی اینکه با اندکی تدبیر و تفکر باید اذعان کنیم که چنین دانشگاهی می تواند مرزهای سیاسی را در هم شکسته و از تبعیضات و خرده گیری های ملی ، جدا و مستقل و مصون باشد .
- تاسیس این دانشگاه می تواند جلوی فرار مغزهای مسلمان در سطح جهانی و مغزهای گمشده ی مسلمین در سطح داخلی و همچنین در ممالک اسلامی را بگیرد.
- با وجود منابع غنی و منابع مالی و جغرافیائی و نیروهای علمی و انسانی که در ممالک اسلامی وجود دارند و در جهان حدود 55 کشور از چندین قاره نماینده ی امت اسلامی هستند با این وجود اراده ی سیاسی ، بصیرت و دور اندیشی تاریخی و حس مسئولیت ، اعتقاد و ایمان ، و توانائی رهبری و در سایه ی همه اینها - **وحدت** - این ملت ها دوچندان می شود .
- این حرکت باعث تولید اعتماد به نفس ، تولید آزاد اندیشی و تولید علم و معنویت در سطح کلان امت اسلامی می گردد که این امر رونق فکری و تعمیق نگرش بلند و ترسیم آینده ی مطلوب این جوامع را سبب خواهد شد .
- این امر (تاسیس دانشگاه اسلامی - تقویت وحدت) باعث کاهش درصد شکاف ارزشی ، فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی و اندیشه ای در بین امت اسلامی می گردد. و ذائقه ی فکری و فرهنگی جهان و امت اسلامی را به یک سمت و سو سوق می دهد .
- توجه به وحدت و حرکت به سوی هم اندیشی اسلامی ، سرعت و شتاب تحولات و توسعه ی جوامع اسلامی را یکسان و یکنواخت می نماید.
- این امر باعث تقویت تبادل فرهنگی میان امت های اسلامی و جلوگیری از تهاجم فرهنگی می شود و همچنین باعث صدور فضیلت های انقلاب اسلامی به دیگر جوامع و تحکیم پایه های اساسی آن در بین جوامع جهانی و بین المللی اسلامی و غیر اسلامی می گردد .

- با توجه مناسب به این اصول و با مدیریت استراتژیک در این عرصه تمدن با تدین در جوامع و امت اسلامی ، در سایه وحدت و الفت و توجه به آرمانهای امام خمین (ره) پایدار و ماندگار ، جلوه گری می نماید و درباره هر آنچه که بعنوان فاصله ها و گسست هایی که نسبت به آن ، نگران هستیم خاطر جمع خواهیم بود . بنابراین باید به وحدت کلمه روی آوریم که این کلام مصداق آیه ی شریفه ی ...

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا ...

می باشد .

* پایان کلام

آنچه پشتوانه ی مستحکم و عامل تعمیق و تعالی این حرکت بنیادین و نهضت اسلامی خمینی (ره) است ، ظرفیت نامحدود خود مکتب «اسلام» و منابع عمیق و غنی مذهبی ، دینی و اسلامی و نیز استعداد و شایستگی های نسل های جدیدی اند که با دلبستگی به آرمانهای امام راحل و با آمادگی مضاعفی نسبت به نسل انقلاب و تاثیر و نفوذ والای کلام مقام معظم رهبری در امت اسلامی برای جهش به سوی وحدت ، کمر همت برای تکمیل و تکامل انقلاب بسته اند و در عرصه تحول و توسعه جامعه ، تولید دانش و جنبش نرم افزاری و ... ابراز وجود و حیات نموده و حی ، حاضر و نقش آفرین هستند .

بنظر بنده حقیر اگر هر نسلی به رسالت و مسئولیت خود باظرافت هر چه تمام ، بیاندیشد که بایستی - بیاندیشد - و حاصل تلاش خود را بر پایه های استوار پیشین انقلاب و اندیشه های اصلی - الهی امام راحل ، بنا کند و کاستی ها و خلاء ها را در حد ظرفیت خود جبران کند ، جامعه ی ما و همچنین جامعه جهانی امت اسلامی ، سیر تکاملی خود را سریعتر و با دقت و درایتی مضاعف تر ، طی می نماید:

(تَلِكْ اِمِهْ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا اَكْسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ)

منابع برای مطالعه بیشتر راجع به موضوع مقاله :

1. حشمت زاده، محمد باقر: چهارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، 1378.
2. آرکدی، نیکی: ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبد الرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1357.
3. ذوعلم، علی: انقلاب و ارزش ها، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، 1379.
4. ذوعلم، علی: جرئه جاری (مجموعه مقالات)، به کوشش علی ذوعلم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، 1378.
5. باوند، نعمت الله: درآمدی بر نظریه انقلاب اسلامی، کانون اندیشه جوان، تهران، 1378.
- 6- کتاب نقد (فصلنامه)، سال چهارم شماره اول، (نقد تاریخ نگاری معاصر در حوزه انقلاب)، زمستان 1378.

منابع و ماخذ اصلی مقاله :

- 1- میشل فوکو فراسوی ساخت گرایی و هرمنوتیک ، هیوبرت دریفوس / پل رابینو ، ترجمه حسین بشیریه ، نشر نی ، ص 14.
- 2- ایران ، روح یک جهان بی روح ، ص 65.
- 3- سفیر صداقت ، زندگی ، افکار و ندیشه های پرفسور سید جحمید مولانا / کریم فیضی - تهران ، نشر فرهنگ اسلامی ، 1381
- 4- اینترنت / وبلاگ گروهی فرهنگی ، 1384 ، بلاگفا / دانشجویان رشته ی مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی ، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
- 5- ماهنامه برگ فرهنگ معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی ، ویژه نامه 7 ، سال 1386